www.jgk.imamreza.ac.ir

پژوهشنامه خراسان بزرگ

دوره ۱۴، شماره ۵۳، زمستان ۱۴۰۲

ISC | MSRT | ICI

شاپا چاپی: ۶۱۳۱-۲۲۵۱ شاپا الکترونیکی: ۱۶۷۱-۲۷۱۷

مقاله پژوهشی

# میدان در عصر تیموری: پژوهشی در ساختار میدان‌های شهری و مجموعه‌های معماری مرتبط با آن در قرون هشتم و نهم هجری‌قمری

شاهین گرکانی‌دشته *(الف)، محمد مرتضایی (ب)

الف) دانش‌آموخته دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ب) دانشیار، گروه باستان‌شناسی دوران اسلامی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران (m_mortezayi2008@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰

**شماره صفحات:** ۴۲-۲۳

**واژگان کلیدی:**

میدان، تیموریان، سمرقند، هرات، یزد

**استناد به مقاله:**

گرکانی‌دشته، شاهین؛ مرتضایی، محمد. (۱۴۰۲)، میدان در عصر تیموری: پژوهشی در ساختار میدان‌های شهری و مجموعه‌های معماری مرتبط با آن در قرون هشتم و نهم هجری‌قمری. *پژوهشنامه خراسان بزرگ*. ۱۴. (۵۳)، ۴۲-۲۳.

از دستگاه خود برای اسکن و خواندن مقاله به صورت آنلاین استفاده کنید.

## چکیده

مجموعه‌های معماری احداث‌شده در دوره تیموری را می‌توان از لحاظ نحوه استقرار بناها به سه دسته مجموعه‌های مستقر در دورتادور یک محوطه میانی، مجموعه‌های مستقر در دو سوی یک خیابان و مجموعه‌های مستقر در دو سمت یک بنای مرکزی تقسیم کرد. دسته اول از این نوع مجموعه‌ها که بر پایه استقرار ابنیه مستقل در دو یا چهار سمت یک محوطه مرکزی شکل می‌گرفته‌اند، هم در نقش میدان‌های شهری و هم در ردیف مجموعه‌های معماری موقوفه ظاهر شده‌اند. این شکل از مجموعه‌سازی که در آن ساختار حیاط‌های چهار ایوانی و کاربری میدان‌های شهری، به‌صورت توأمان، قابل‌مشاهده است را می‌توان از عوامل مؤثر بر تحولات ساخت و طراحی میدان در ادوار بعدی شهرسازی و معماری ایران دانست. این پژوهش قصد دارد تا با اتکا به منابع تاریخی و مستندات باستان‌شناسی موجود، به تحلیل ساختار و همچنین مطالعه نحوه استقرار ابنیه در این‌گونه از مجموعه‌های معماری دوره تیموری بپردازد. تبیین ساختار مجموعه‌های فوق می‌تواند در جهت تحلیل ریشه‌های ساخت میدان در ادوار بعد از تیموری مورد استفاده دیگر پژوهشگران قرار گیرد. اطلاعات این مقاله با روش‌های کتابخانه‌ای، مشاهده بصری و مقایسه یافته‌های حاصله گردآوری‌شده و پژوهش با روش تحلیلی-تاریخی صورت گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت شاخص میدان‌های شهری و مجموعه‌های معماری که بر پایه ساختار یک میدان در دوره تیموری احداث شده‌اند در نحوه ارتباط آن‌ها با راه‌های اصلی در شهر بوده است.

DOI: https://doi.org/10.22034/JGK.2024.335613.1040
URL: https://jgk.imamreza.ac.ir/article_190251.html



نویسنده مسئول مکاتبات: (shaahin.dashteh@gmail.com)

**مقدمه**

میدان یکی از فضاهای اصلی شهر محسوب می‌شود که به‌صورت یک محوطه وسیع در کنار مسیرها و یا در محل تقاطع راه‌ها قرار می‌گرفته است. این سلول مهم شهری علاوه بر داشتن کاربری چون فضای تجمع، فضای تجاری و یا حتی نظامی، یکی از محورهای مهم ارتباطی در شهر نیز بوده است (سلطان‌زاده، ۱۳۹۲: ۸۲). مسئله محصوریت میدان و تعریف محدوده‌ای برای آن به‌وسیله استقرار ساختمان‌هایی از پیش طراحی‌شده، در شهرسازی و معماری ایران دوره اسلامی دارای سابقه مشخص نیست. یکی از کهن‌ترین مثال‌هایی که می‌توان در مورد این نوع از میدان‌سازی در شهرهای ایران مطرح کرد، میدان عتیق اصفهان است. مطالعات انجام‌گرفته بر روی میدان عتیق در شهر اصفهان، گویای آن است که شهرسازان عصر سلجوقی در هنگام بازسازی شهر، میدان دوره آل‌بویه را که رفته‌رفته و بر اثر پیشرفت شهر از یک میدان حومه‌ای به میدانی مرکزی تبدیل شده بود را به‌صورت کامل بازسازی کردند. بااینکه گستره این میدان عهد سلجوقی در طول قرون اخیر توسط ابنیه دیگر اشغال‌شده، اما می‌توان از روی جایگاه ابنیه باقی‌مانده از دوره سلجوقیان در حوالی میدان، فرم مستطیلی آن را بازنمایی کرد. در دورتادور این میدانِ باعظمت در شهر اصفهان، ابنیه‌ای مانند مسجد جامع، مسجد عالی، بازار و کاخ قرار داشته، به صورتی که این میدان را به مرکزی باعظمت در شهر تبدیل کرده بودند. بااین‌همه، نشانه‌ای از این حقیقت که طراحان عصر سلجوقی ساخت این ابنیه را در دورتادور میدان بر اساس یک نقشه منظم و از پیش تعیین‌شده انجام داده باشند، وجود ندارد (پوپ ۱۳۸۷: ۱۶۲۹/۳). در دوره ایلخانی نیز میدان به‌عنوان یک فضای تجمع در شهرها مورد استفاده بود. بااینکه نشانه‌هایی از وجود میدان‌های طراحی‌شده در شهرهای تازه‌ساز این عهد، همانند سلطانیه وجود دارد، اما این نشانه‌ها به‌اندازه‌ای کم‌رنگ هستند که نمی‌توانند به‌طور کامل بیانگر ساختار و شکل این‌گونه از میدان‌ها در این دوره باشند. با این وصف، با اتکا به مستندات تاریخی و بقایای مجموعه‌های معماری دوره ایلخانی همچون تخت‌سلیمان، ابواب‌البر ارگ سلطانیه و ابواب‌البر غازانیه، می‌توان مشابهت‌هایی را در نحوهٔ استقرار بناها در دورتادور یک محوطه مرکزی با فرم میدان‌های شهری در آینده مشاهده کرد. به دلیل تقدم این الگو در طراحی مجموعه‌های عهد ایلخانی می‌توان چنین فرض کرد که این فرم خاص از استقرار ابنیه مستقل بر گرداگرد یک محوطه وسیع میانی، بر روند طراحی و ساخت میدان با بدنه‌سازی منظم در آینده مؤثر بوده است. بررسی این‌روند تحول در معماری و شهرسازی عهد تیموری به دلیل وجود مستندات تاریخی و باستان‌شناسی بیشتر نسبت به دوره ایلخانی، به‌صورت فزاینده‌ای قابل‌لمس و درک است. با بررسی و مطالعه میدان‌های شهری و همچنین مجموعه‌های متعلق به دوره تیموری که بر پایه این ساختار شکل‌گرفته‌اند، از سویی می‌توان به سابقه این شکل از میدان‌سازی و مجموعه‌سازی بهتر احاطه پیدا کرد و از سویی می‌توان به تأثیری که تحول این‌گونه از طراحی فضای شهری بر شکل‌گیری میدان‌های باشکوه آتی در شهرسازی و معماری ایران، همچون میدان سعادت قزوین، میدان گنجعلی‌خان کرمان و درنهایت میدان نقش‌جهان اصفهان داشته‌اند، آگاهی یافت. این پژوهش قصد دارد تا با اتکا به منابع تاریخی و مستندات باستان‌شناسی موجود، به تحلیل ساختار و همچنین مطالعه نحوه استقرار ابنیه در مجموعه‌های معماری دوره تیموری بپردازد که در اطراف یک محوطه میانی احداث شده بودند. تبیین ساختار مجموعه‌های فوق می‌تواند در جهت تحلیل ریشه‌های ساخت میدان در دوره‌های بعد از تیموری مورد استفاده دیگر پژوهشگران قرار گیرد. این پژوهش در پی پاسخگویی به این سؤال اصلی است که میدان‌ها و مجموعه‌های منظم معماری در عصر تیموری از لحاظ ساختار به چه شکل بوده، چه تفاوت و شباهت‌هایی با یکدیگر داشته و درنهایت چه ارتباطی با فضای شهری پیرامون خود داشته‌اند؟

**پیشینه پژوهش**

تاکنون پژوهش‌های گسترده‌ای در حوزه بررسی تحولات معماری و شهرسازی در عهد تیموری انجام شده است. این پژوهش‌ها که بر پایه مکتوبات تاریخی و آخرین مستندات باستان‌شناسی متعلق به این دوره ارائه شده‌اند تا حدودی بیانگر ساختار و شکل مجموعه‌های معماری هستند (Pugachenkova, 1951; 1965; 1976(A);

؛1976(B); Pugachenkova and Rempel 1965 گلمبک و ویلبر، ۱۳۷۴؛ اوکین، ۱۳۸٦). علاوه بر پژوهش‌های فوق، تاکنون گزارش‌ها و مقالات متعددی نیز بر پایه کشفیات باستان‌شناسی از مجموعه‌ها و میدان‌های شهری دورۀ تیموریان منتشرشده که تنها معدودی از آن‌ها به شاخصه‌های ساختاری مجموعه‌های فوق در این دوره اشاره داشته‌اند (Rathia, 1950; Masson, 1968; lebdeva, 2003; Mokhitdinov, 2003). همچنین مطالعاتی نیز که بخواهند فرم و ساختار مجموعه‌های معماری و میدان‌های شهری دوره تیموری را به‌صورت مستقل موردبررسی قرار دهند، بسیار انگشت‌شمار بوده و تعداد اندکی که به این موضوع پرداخته‌اند نیز، این بررسی را تحت عنوان بررسی نماسازی در معماری دوره تیموری ارائه کرده و به‌طور مشخص به مطالعه ساختار میدان‌ها نپرداخته‌اند (Gangler et al, 2004; Paskalevna, 2012; Maneov, 2015). بااین‌حال می‌توان به چند پژوهش موردی اشاره کرد که در آن‌ها ضمن بررسی محدود میدان‌ها و مجموعه‌های معماری دوره تیموری، به تأثیری که ساختار آن‌ها بر میدان‌سازی و مجموعه‌سازی در دوره بعدی داشته، پرداخته‌اند (نصراللهی و قسوریان‌جهرمی، ۱۳۹۴؛ جیحانی و پوررضایی، ۱۳۹٦). دیگر پژوهش‌هایی که تاکنون با عنوان بررسی ساختار میدان‌ها در معماری و شهرسازی ایران ارائه‌شده، فارغ از مبحث پیگیری ریشه‌های تحولات ساخت میدان بوده است. این پژوهش‌ها به‌صورت موردی میدان‌های شهری را که در طی ادوار بعد از تیموری ساخته‌شده موردمطالعه قرار داده‌اند. یکی از نمونه‌های فوق که از نظر پژوهشگران از پیش‌نمونه‌های بارز ساخت میدان‌های معظم شهری در دوره صفوی محسوب می‌شود، میدان صاحب‌آباد تبریز است. مطالعات متعددی تاکنون با هدف بررسی ساختار این میدان و همچنین با هدف بررسی تأثیر این ساختار بر روند تحولات ساخت میدان در عصر صفوی انجام شده است (حناچی و ابراهی‌سردرود، ۱۳۸۵؛ نژاد ابراهیمی، ۱۳۸۷؛ عمرانی و امینیان، ۱۳۸٦؛ ۱۳۸۸؛ جعفرپورناصر، ۱۳۹۲؛ ۱۳۹٦؛ نصراللهی و قسوریان‌جهرمی، ۱۳۹۴؛ مفاخر و مافی، ۱۳۹۴؛ حجت و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۴۰۰). بااین‌وجود، در تعداد معدودی از این پژوهش‌ها، به پیشینه ساخت میدان و همچنین روند تحولات آن در عهد تیموری پرداخته شده است. در مورد میدان‌سازی در دوره صفوی نیز تاکنون چندین پژوهش و مقاله ارائه شده است. در مطالعات فوق نیز مبحث بررسی ساخت میدان‌های دوره صفوی، کمتر با هدف بررسی پیشینه بوده و عمدتاً به‌منظور تحلیل و معرفی میدان‌های ساخته‌شده در این دوره انجام پذیرفته که از این منظر نمی‌تواند دیدگاهی مؤثر را در رابطه با روند تحولات ساخت میدان از دوره تیموری تا دوره صفوی ارائه دهند (اهری و حبیبی، ۱۳۸٦؛ اهری، ۱۳۹۱؛ دیزانی، ۱۳۹۲؛ ۱۳۹۳؛ آقابزرگ و متدین، ۱۳۹۴؛ جیحانی و پوررضایی، ۱۳۹٦).

**روش پژوهش**

روش مورد استفاده در این پژوهش تحلیلی-تاریخی و روش گردآوری اطلاعات نیز در دو مرحله انجام شده است. مرحله اول شامل مطالعه منابع تاریخی، گزارش‌های باستان‌شناسی و طرح‌های پژوهشی ازآنچه پیش‌تر در رابطه با محتویات کلی موضوع انجام گرفته است. مرحله دوم شامل مستندنگاری و ترسیم خطوط تحولات مجموعه‌های معماری و میدان‌های دوره تیموری و فضاهای اصلی آن بر اساس برداشت‌های مطالعات کتابخانه‌ای. در پایان نیز یافته‌های پژوهش به‌منظور دست‌یابی به ساختار اولیه مجموعه‌های معماری و میدان‌های موضوع مطالعه مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.

**مجموعه‌های معماری و مجموعه‌هایی با ساختار میدان در عصر تیموری**

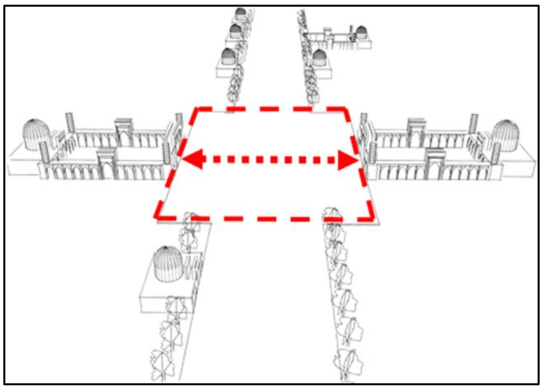
در این پژوهش میدان‌های شهری و همچنین مجموعه‌های معماری که در گرداگرد یک فضای میانی انتظام یافته‌اند، ذیل عنوان کلی «مجموعه‌های متشکل بر گرد یک میدان» موردبررسی قرار خواهند گرفت. پیش از بررسی مجموعه‌های فوق نیاز است تا در ابتدا اصول استقرار ابنیه در بافت شهرها و همچنین مجموعه‌های معماری دوره تیموری معرفی گردد. فارغ از یک دیدگاه مشخص نسبت به اصول استقرار ابنیه در این دوره، نمی‌توان به تحلیل درستی از بررسی ساختار مجموعه‌های آن دست‌یافت. پس از این بخش، مجموعه‌های متشکل بر اطراف یک میدان در دو دسته پیش‌گفته، معرفی خواهند شد و درنهایت با اتکا به منابع

تاریخی و مستندات باستان‌شناسی، مهم‌ترین میدان‌ها و مجموعه‌های شهری موردبررسی قرار خواهند گرفت.

**اصول مترقی در نماسازی شهری عصر تیموری**

یکی از اصول اصلی طراحی نما در دوره تیموری اهمیت به طراحی سردر، درآیگاه یا همان پیش‌طاق بیرونی ابنیه بوده است. این فرم با نقش یک مَفصل ارتباطی میان بنا و فضای شهری، اهمیت زیادی در عصر تیموری داشته است. سردرها هنوز در این دوره، مانند عصر مغول، بسیار بلند ساخته‌شده و بر عرصه اطراف خودنمایی می‌کرده‌اند. در مواردی که بنایی در کنارگذر خیابان یا میدانی احداث می‌شد و تنها یک نمای بیرونی آن قابل‌رؤیت بود، سردر از اهمیت بیشتری برخوردار می‌گردید. مشرف بودن این عنصر به گذر و یا واشدگاه‌های عمومی، سبب می‌شد که بهترین جلوه از نمای تزیینی یک بنا را ارائه دهد (Hillenbrand, 2004: 96). ساخت سردر یا پیش‌طاق، تنها به‌صورت یک ایوان ساده که در میان دیواری قرار می‌گرفت انجام نمی‌شده است. این سردرها گاه در میان دیوارهایی که طاق‌نماهای در سرتاسر آن وجود داشت قرار می‌گرفتند و یا در دو سوی آن به قرینه، یک جفت طاق‌نمای کوچک‌تر ساخته می‌شد که نمادی بود از وجود تقارن در نماسازی عصر تیموری (گلمبک، ۱۳۶۴: ۲۶).

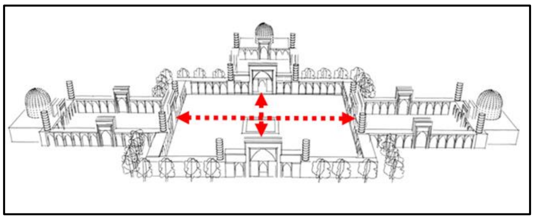
هم‌زمان با توجه به ساخت پیش‌طاق برای ابنیه، قرینه‌سازی دو بنا در روبروی یکدیگر، در امتداد یک محور و یا در میان یک محوطه نیز، از ویژگی‌های دیگر نماسازی کالبد پیرامونی در عصر تیموری به‌حساب می‌آید. این قرینه‌سازی که شامل قرارگیری پیش‌طاق‌های بلند دو بنا در برابر هم بوده، در اصطلاح معماری این دوران قاش یا قاچ نامیده می‌شده است (Pugachenkova B, 1976: 90). قاش یک نوع ترکیب معماری است میان دو یا سه بنا، به صورتی که نمای اصلی آن‌ها در مقابل یکدیگر قرار گیرند. این ابنیه معمولاً در یک محوطه یا در امتداد یک مسیر قرار داشته، به‌نوعی که گاهی باهم تشکیل یک میدان کوچک را نیز می‌دادند (Paskalevna, 2012: 87). در زبان ترکی نیز، قاش به معنای ابرو است و این مطلب را می‌رساند که دو بنا همچون دو ابرو در برابر یکدیگر قرار می‌گرفته‌اند.



تصویر ۱: قاش‌سازی در دو سوی یک مسیر که با عقب‌نشینی دو بنا از کنار راه همراه شده و یک میدان کوچک را پدید آورده است (مأخذ: نگارندگان)

این طریقه از نماسازی در دوره تیموری، بسیار پرطرفدار می‌شود به صورتی که ساخت پیش‌طاق دو بنا در مقابل هم، صورت بسیار شکوهمندی از زیبایی و عظمت را جلوه می‌داده است. قاش‌سازی تنها به معنی قرارگیری پیش‌طاق دو بنا در روبروی یکدیگر نبوده است، بلکه ویژگی اصلی آن، خاصیت آینه‌وار بودن آن دونمایی است که در دوسوی یک معبر و در مقابل هم واقع‌شده‌اند. این ویژگی درخشان سبب می‌گردیده که هر دو بنا در مقابل هم، بدان صورت تزیین و ساخته شوند که گویی در مقابل آینه‌ای واقع هستند و تمام خطوط تزیینی آن‌ها عیناً در نمای مقابل نیز تکرار گردد. قاش‌سازی ابنیه در دو سوی یک مسیر، تنها به استقرار آن‌ها در بدنه راه خلاصه نمی‌شده، بلکه در مواردی عقب‌نشینی دو بنا از کناره‌های مسیر، سبب می‌شده که فضایی کافی به شکل یک میدانچه کوچک میان دو بنا گشوده شود و بدین ترتیب نظرگاهی مناسب جهت عابران، برای رصد پیش‌طاق‌های باشکوه بناها فراهم آید (Gangler et al,

114 :2004) (تصاویر ۱-۲). در کنار قاش‌سازی واژه‌ای وجود دارد با نام جفت‌سازی که در معماری و نماسازی تیموری، به معنی در کنار هم قرار گرفتن دو تا چند بنا در امتداد یک‌راه و در یک‌سوی جبهه خیابان است. پوگاچنکوا مثال بارز از این نماسازی در عهد تیموری را میان دو بنای مسجد و مدرسه گوهرشاد آورده که در امتداد خیابان هرات و در کنار هم احداث شده بودند ( Pugachenkova B, 1976: 90). در فرایند جفت‌سازی، لزوماً تمامی ابنیه‌ای که در کنار هم قرار می‌گرفتند، مانند قاش‌سازی، از نظر ارتفاع و نوع تزیینات، مشابه یکدیگر نبوده‌اند. در این فرآیند، تنها در کنار هم قرار گرفتن و یا در خط بودن ابنیه در امتداد یک مسیر، موردنظر بوده است (Maneov, 2015: 165).



تصویر ۲: قاش‌سازی در چهار طرف یک میدان در مجموعه‌های میدانی و یا شهری که شباهت به فرم ابنیه چهار ایوانی داشته است (مأخذ: نگارندگان)

**مجموعه‌های متشکل بر گرد یک میدان**

استفاده از فرم میدان در دوره ایلخانی، سبب ایجاد ساختارهای نوینی در مجموعه‌سازی ایرانی می‌گردد. این ساختار که عمدتاً عبارت بوده است از استقرار ابنیه در جداره یک میدان یا محوطه مرکزی، بسیار به فرم ابنیه چهار ایوانی شباهت داشته (Hillenbrand, 1983: 23) و نه‌تنها در اکثر مجموعه‌سازی‌های عصر ایلخانی قابل‌مشاهده بوده (گرکانی‌دشته و مرتضایی، ۱۴۰۰: ٤٦٤)، بلکه در دوره تیموری نیز دنبال شده است. این‌گونه از مجموعه‌های معماری را ازنقطه‌نظر ماهیت ارتباطی آن‌ها با محورهای شهری، می‌توان در دو دسته میدان‌های شهری و یا مجموعه‌های صرفاً معماری دسته‌بندی نمود. مجموعه‌های معماری بر گرد یک میدان به‌صورت وقفی احداث می‌شده و شامل ابنیه‌ای با کاربری مذهبی-خدماتی بوده‌اند که در مواردی گور یا مقبره واقف نیز در مجموعه قرار می‌گرفته است. باید توجه داشت که در دسته‌بندی این مجموعه‌ها، صرفاً حضور یک محوطه محوری در میان مجموعه موردتوجه بوده و اصل قرارگیری بنا در هر چهار ضلع محوطه و محصور بودن میدان دارای اهمیت نیست. در همین راستا، میدان‌ها و مجموعه‌های میدانی دوره تیموری را اکثراً میدان‌های نیمه محصور تشکیل داده‌اند، به‌گونه‌ای که ابنیه معمولاً در دو یا سه ضلع آن‌ها استقرار می‌یافته‌اند. تنها در موارد اندکی می‌توان به وجود میدان‌های محصور در این دوره اشاره داشت (سلطان‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۲۱-۱۲۲) که این امر نیز به دلیل پایدار نبودن فیزیکی نمونه‌ها و عدم وجود مستندات باستان‌شناسی، قابل‌اثبات و تأیید نیست.

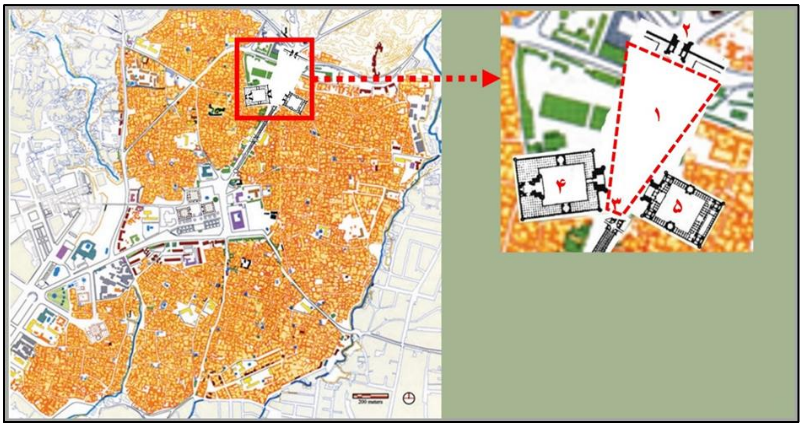
**مجموعه‌های متشکل بر گرد یک میدان با کاربری میدان شهری:** از دوره تیموری گزارش‌های تاریخی مختصری برجای‌مانده که از فحوای آن‌ها بتوان به حضور میدان در شهرهای این عصر پی برد. یکی از معدود گزارش‌هایی که به وجود میدان در عصر تیموری پرداخته، متعلق به کلاویخو است که در اواخر حکومت تیمور به سمرقند سفر کرده است. او در این گزارش حضور میدان در شهر سمرقند را بدین‌صورت ارائه کرده است: «در سراسر شهر سمرقند میدان‌های پهناوری است که در آن‌ها گوشت پخته و کباب شده و آش و طیور و شکار که به شیوه‌ای نیکو پخته‌اند و همچنین نان و میوه‌های خوب به فروش می‌رسد» (کلاویخو، ۱۳٦٦: ۲۸٦). کلاویخو به محل استقرار دقیق این میدان‌ها در شهر سمرقند اشاره نکرده و معلوم نیست که این میدان‌ها در داخل شهر و یا در حومه آن واقع بوده‌اند.

همین‌طور در هرات، اسناد تاریخی به میدان دیگری اشاره می‌کنند، واقع در حومه جنوبی شهر، معروف به میدان سعادت. سمرقندی در ذکر حادثه‌ای متعلق به دوره پایانی عصر تیموری درباره این میدان چنین گفته است: «میرزا سلطان حسین [بایقرا] کوچ فرمود و به‌جانب کاه‌دستان و شرقی شهر عزیمت نمود و چند نوبت از طرف دروازه خوش جنگ انداخت. اما زیادت کاری نساخت و از طرف دروازه خوش نیز نهضت نموده به‌جانب دروازه فیروزآباد [جنوب

هرات] میل فرمود و در میدان سعادت و مزار خنجه‌باد صف قتال و میدان جدال ترتیب داد» (سمرقندی ۱۳۷۲، ۹۰۰/۲). عبدالله واعظ (قرن نهم هجری) نیز درباره این میدان چنین گفته است: «شیخ منصور عمار: از اکابر و افاضل و قدما بوده [...] مدفنش در گوشه میدان سعادت متصل به باغ اخی زرگر [است]» (واعظ، ۱۳۸٦: ۹۰). بر مبنای این دو گزارش میدان سعادت را بیشتر می‌توان محوطه‌ای باز و غیر محصور تلقی کرد که گورها و یا مقابری در گوشه و کنار آن قرار داشته و همچنین در کنار آن باغی نیز واقع بوده است. استقرار این میدان در نزدیکی دروازه فیروزآباد نیز، می‌توانسته آن را به‌عنوان محلی برای تجمع مردم و همچنین برقراری بازارهای هفتگی موردتوجه قرار داده باشد.

درمجموع، این میدان‌های حومه‌ای را تنها می‌توان محوطه‌های بزرگی در خارج از شهرها محسوب نمود که مردم از آن‌ها به‌عنوان مکان‌هایی جهت استقرار بازارهای هفتگی و همچنین برگزاری مراسم‌های گوناگون بهره می‌برده‌اند (سلطان‌زاده، ۱۳۹۲: ۹۲). این میدان‌ها، تشکیلات ارتباطی مؤثری با شهر و سایر سلول‌های فعال شهری نداشته و از این لحاظ نمی‌توان آن‌ها در دسته میدان‌های شهری جای داد.

در مقابل این سه میدان، محوطه‌هایی در داخل دو شهر سمرقند و هرات قرار داشته که به دلیل استقرار چند ابنیه در محیط پیرامونی آن‌ها، دارای بدنه‌سازی محسوب شده و محدوده فیزیکی معلوم و مشخصی در بافت شهری داشته‌اند. در مقایسه با سه محوطه پیشین، این محوطه‌ها، بیشتر به فرم یک میدان شهری نزدیک بوده‌اند. اولین نمونه، مجموعه دروازه فولاد در شمال سمرقند است. دروازه فولاد شامل یک محوطه شهری است که تیمور آن را با تخریب بافت درهم‌فشرده شهر احداث و به‌عنوان پیش‌فضای ورودی بازار بزرگ سمرقند مطرح می‌سازد. کلیت مجموعه شامل محوطه‌ای بوده که در دو سوی آن دروازه فولاد (یکی از دروازه‌های سمرقند) و دروازه ورودی بازار سمرقند و در دو سوی دیگر مسجد بی‌بی‌خانم و مدرسه سرای‌ملک خانم در روبروی هم قرار می‌گرفته‌اند (Paskalevna, 2012: 85). بااینکه محوطه مجموعه دارای شکل هندسی منظمی نبوده و هیلن‌براند آن را میدانی نامنظم و چندزاویه‌ای می‌داند (هیلن‌براند، ۱۳۸۷: ٦۷)، اما کلیت طرح آن را می‌توان تا حدودی مشابه با فرم میدان‌های شهری دانست (تصویر ۳).



**تصویر ۳: جانمایی مجموعه دروازه فولاد در بافت تاریخی شهر سمرقند (Bianca, 1996:42). ۱. میدان. ۲. دروازه فولاد. ۳. دروازه بازار. ٤. مسجد بی‌بی خانم. ۵. مدرسه سرای‌ملک خانم (مأخذ: نگارندگان)**

مجموعه یا میدان دروازه فولاد، در ابتدای محور بازار سمرقند قرار داشته است. این بازار که در محور میانی شهر واقع بوده، در انتها به محوطه گسترده دیگری در مرکز شهر منتهی می‌شده است (استرلین، ۱۳۹۳: ٦٤). در این محوطه در زمان الغ‌بیگ، نوه تیمور، مجموعه میدانی ریگستان احداث می‌گردد. این مجموعه را می‌توان دومین میدان شهر سمرقند محسوب نمود (هیلن‌براند، ۱۳۸۷: ٦۷). بااینکه فرم امروزی این میدان، به‌صورت استقرار سه بنا در سه ضلع یک محوطه شهری، تعلق به عصر اشترخانیان ازبک دارد، اما مستندات تاریخی گویای این امر هستند که در زمان الغ‌بیگ در گرداگرد این محوطه، ابنیه‌ای قرار داشته است. حافظ ابرو در همان عصر الغ‌بیگ درباره مجموعه ریگستان چنین گفته است:

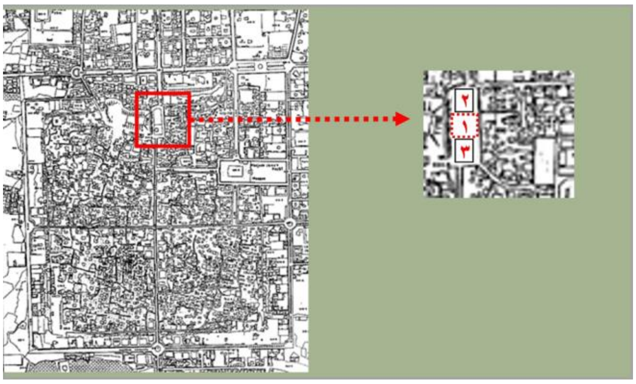
«[الغبیگ] در درون شهر سمرقند در موضعی که سردوانیک گویند وسط بلده و مرکز نزدیک ارگ عالی، اطراف آن بازارهای معمور و خان‌های مشهور، مدرسه و خانقاهی برابر یکدیگر بنا فرمود» (حافظابرو، ۱۳۹۵: ٤/۷۰٦). تنها از روی مشاهده حالت امروزی مجموعه ریگستان می‌توان به فاصله زیادی که میان خانقاه و مدرسه الغبیگ وجود داشته است پی‌برد و درک نمود که محوطه میان آن‌ها، آن قابلیت را داشته است که بتوان آن را یک میدان متشکل شهری با بدنه طراحی‌شده نامید. البته هیلن‌براند، فرم ابتدایی این مجموعه را کوچک‌تر از زمان امروزی دانسته و آن را متشکل شده از چهار بنایی می‌داند که گرداگرد یک محوطه مرکزی مستقر بوده‌اند. او علاوه بر مدرسه و خانقاه، کاروانسرای میرزایی و مسجد کوکلتاش را نیز به کلیت این میدان شهری اضافه نموده است (هیلن‌براند، ۱۳۸۷: ۷۳). بااینکه به‌طورقطع نمی‌توان حضور این دو بنای اخیر را در زوایای دیگر میدان تأیید نمود، اما ریگستان را می‌توان به‌عنوان یک محوطه باز شهری با دیوارهای طراحی‌شده، یکی از نخستین نمونه‌های طراحی میدان در عصر میانه اسلامی محسوب کرد، نمونه‌ای که علی‌رغم اشاره مستندات تاریخی به وجود آن، هیچ‌گاه، نمونه‌ای عینی از آن به دست نیامده است (تصویر ٤).



**تصویر ٤: جانمایی میدان ریگستان سمرقند در بافت تاریخی سمرقند (Bianca, 1996: 42). و پلان فرضی مجموعه در زمان تیموری (Pugachenkova B, 1976: 124). ۱. میدان. ۲. مدرسه الغبیگ. ۳. مدرسه شیردار. ٤. مدرسه طلای‌کاری. ۵. خانقاه الغبیگ. ٦. مسجد کوکلتاش. ۷. مسجد عمر. ۸. کاروانسرای میرزایی (مأخذ: نگارندگان).**

در شهر هرات نیز در مشابهت با میدان ریگستان مجموعه‌ای در داخل دیوارهای شهر به دستور شاهرخ احداث می‌گردد که شامل یک مدرسه و خانقاه در روبروی هم بوده است. عبدالرزاق سمرقندی به این مجموعه این‌گونه اشاره کرده است: «وضع مدرسه و خانقاه معارف پناه [شاهرخ] بر طرف شمال تحت‌القلعه در جانب جنوب، مدرسه عالی و خانقاهی متعالی پیوسته هم و در میان آن بقعه صحن سرای بزرگ و صفه و طاقی رفیع و بر دو طرف منار بلندقامت بدیع استقامت ارتفاع یافت» (سمرقندی، ۱۳۷۲: 2/۱۳۲). از این گزارش به حضور محوطه وسیعی در میان دو بنا می‌توان پی‌برد که بسیار شباهت با میدان ریگستان در سمرقند دارد. برنارد اوکین نیز ضمن اشاره به این شباهت، جایگاه این دو بنا را در اطراف میدانی فرض کرده که بر سر راهی بوده که به دروازه هرات منتهی می‌گشته است و از این نظر آن را می‌توان یک میدان شهری محسوب نمود (اوکین، ۱۳۸٦: ۲۱۷) (تصویر ۵).

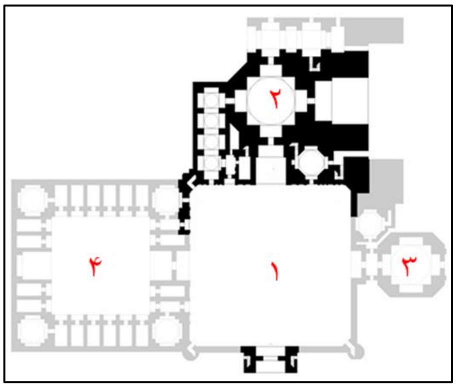
درمجموع، می‌توان بیان داشت که به غیر از میدان‌های دروازه فولاد، ریگستان و شاهرخی، وجود و حضور میدان در بطن شهرهای دوره تیموری مانند سایر شهرهای کهن ایران، کم-رنگ بوده است. این میدان‌ها که تنها اسناد تعداد معدودی از آن‌ها برجای‌مانده است را می‌توان مشابه با فرم میدان‌های شهر سلطانیه دانست که در ارتباط با محورهای مهم شهری احداث شده بودند.




تصویر ٥: میدان شاهرخی هرات: ۱. میدان. ۲. مدرسه شاهرخ. ۳. خانقاه شاهرخ (مأخذ: نگارندگان)

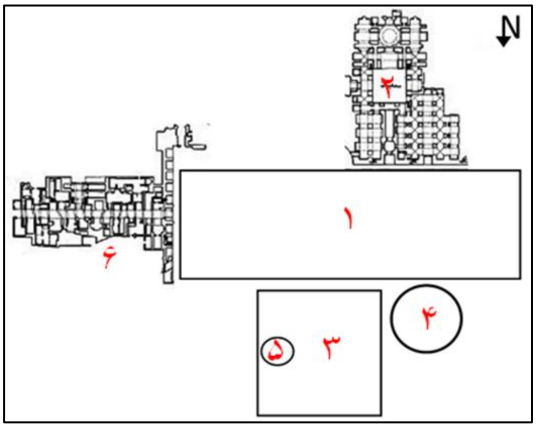
**مجموعه‌های متشکل بر گرد یک میدان، فاقد کاربری میدان شهری:** در برابر گروه اولی که دارای کاربری یک میدان شهری بودند، مجموعه ابنیه دیگری در عصر تیموری احداث شده است که به دلیل عدم وجود ارتباط با محورهای مواصلاتی شهری، آن‌ها را تنها می‌توان مجموعه‌های معماری دانست که بر گرد یک محوطه میدانی با هندسه منظم، متشکل شده و فاقد کاربری‌های مرسوم یک میدان شهری بوده‌اند. عمده‌ترین این مجموعه‌ها در عصر تیموری عبارت‌اند از:

مجموعه گور میر: سلطان محمد، نوه تیمور، در سمرقند مجموعه‌ای می‌سازد که در اصل دارای کاربری خدماتی-مذهبی بوده است. گلمبک اظهار داشته که این مجتمع که در ابتدا تنها شامل دو بنای خانقاه و مدرسه در روبروی هم بوده، جزو نخستین مجتمع‌های عصر تیموری است که در اطراف یک صحن یا محوطه مرکزی احداث شده است (گلمبک و همکاران، ۱۳۸٤: ٥٦). تیمور بعد از مرگ نوه خود، مقبره‌ای در سمت دیگر محوطه مرکزی مجموعه احداث می‌کند و سلطان محمد را در این مقبره دفن می‌کند. پس از مرگ تیمور و تدفین او در همان مقبره، این مجموعه تبدیل به مقبره خانوادگی تیموریان می‌گردد. کلیت مجموعه که شامل سه بنا بوده است، در حول یک محوطه مربع شکل احداث می‌شود و تیمور در جریان ساخت مقبره، برای ایجاد گشایش در فضای اطراف آن، ابنیه مجاور مجموعه را تخریب می‌کند (سمرقندی، ۱۳٦۷: ۱۷٤)، (تصویر ٦).




تصویر ٦: مجموعه گور میر-سمرقند: ۱. میدان مجموعه. ۲. مقبره. ۳. خانقاه. ٤. مدرسه. ٥. درآیگاه (Bianca, 1996: 63).

مجموعه امیر چخماق: این مجموعه، در دوره شاهرخ و توسط امیر جلال‌الدین چخماق شامی در محله دهوک که در آن زمان، خارج از شهر یزد قرار داشته احداث شده است. مجموعه فوق شامل مسجد، خانقاه، آب‌انبار، چاه آب سرد و مقبره بوده (خادم‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۲) که بر طبق مستندات موجود و متن برجای‌مانده از وقف‌نامه امیرچخماق، می‌توان محل استقرار آن‌ها را در دو سوی یک میدان به شرح زیر عنوان نمود: مسجد، واقع در ضلع جنوبی میدان (افشار، ۱۳۷٤: ۱٦۱/۲)، مقبره ستی فاطمه (همسر امیر چخماق)، خانقاه (همان: ۳۲۱/۲)، آب‌انبار و سقاخانه، همگی واقع در مقابل مسجد و در ضلع شمالی میدان (همان: ۱٦۹/۲-۱۷۰). در زمان ترکمانان قراقویونلو نیز در ضلع شرقی مجموعه، توسط نظام‌الدین حاجی قنبر جهانشاهی، بازاری احداث شده و به سایر ابنیه اضافه می‌گردد (تصویر ۷).




تصویر ۷: مجموعه امیر چخماق یزد: ۱. میدان مجموعه. ۲. مسجد. ۳. خانقاه. ٤. آب‌انبار. ٥. مقبره. ٦. بازار (نعیما ب، ۱۳۹٥: ٤۰۰)

مجموعه خواجه افضل‌الدین کرمانی: این مجموعه یکی از آخرین مجموعه‌های بزرگی است که در دوره سلطان حسین بایقرا در هرات احداث شده است. مجموعه فوق که شامل مسجد جامع، مدرسه، خانقاه و حمام بوده، در حومه غربی هرات و در نزدیکی دروازه عراق احداث شده است. تری آلن استقرار ابنیه در این مجموعه را بر گرد یک محوطه مرکزی و به‌صورت متقارن مفروض داشته است (Allen, 1983: 28). بااینکه از هیئت چهارگانه بناها، امکان استقرار آن‌ها بر گرد یک محوطه مربع شکل قابل‌تصور است، به دلیل نبود بقایای معماری و انجام نشدن کاوش‌های باستان‌شناسی، به‌طورقطع نمی‌توان در مورد وضعیت محور مرکزی این مجموعه نظر داد.

مجموعه سید غیاث‌الدین محمد باغبان: خواندمیر جایگاه این ابنیه را در حومه شرقی هرات و در مقابل دروازه خوش ذکر کرده است. این مجموعه که همتای مجموعه خواجه افضل‌الدین است مشتمل بر مدرسه، مسجد، خانقاه و حمام بوده (خواندمیر، ۱۳۷۲: ۱۷٦) و گمان می‌رود که به‌مانند مجموعه خواجه افضل‌الدین بر گرد یک محوطه مربع شکل مستقر بوده باشد.

**بررسی ساختار مجموعه میدانی دوره تیموری**

پس از دسته‌بندی و معرفی کلی مجموعه‌هایی که با فرم میدان در دوره تیموری ساخته شدند، چند مجموعه شاخص را از نظر ساختار و عملکرد موردبررسی قرار می‌دهیم. در این بررسی‌های از مستندات تاریخی و همچنین مستندات باستان‌شناختی موجود استفاده شده است.

**مجموعه گور میر در سمرقند:** فرم ابتدایی این مجموعه شامل دو ساختمان مدرسه و خانقاه سلطان محمد، نوه تیمور بوده که در دو سوی یک صحن وسیع و در روبروی یکدیگر احداث شده بودند. گلمبک این دو بنا را از نخستین مجتمع‌های تیموری می‌داند که در اطراف یک محوطه به‌صورت قاش احداث شده‌اند (گلمبک و همکاران، ۱۳۸٤: ٥٦). ملیحای سمرقندی (قرن ۱۱ق) در «مذکر الاصحاب» به قاش بودن این دو بنا در روبروی یکدیگر این‌گونه اشاره کرده است: «آن ساحت طولا با عرض هم مسافت و در ضلع غربی که مقابل مدرسه است؛ امارت خانقاهی در نظر می‌آید که الوقت اساس عمارت آن معدوم شده و در گوشه‌های این مقام خاطر پسند مناره‌هاست که هریک انگشت حیرتی است به کار این بنای بلند» (سمرقندی، ۱۳۹۰: ٤٨٩).

دو بنای خانقاه و مدرسه محمدسلطان، به‌احتمال پیش‌طاق‌های عظیمی داشته‌اند که در روبروی هم قاش‌سازی شده بودند. از هیئت این دو بنا در هنگام معموریت گزارشی برجای نمانده، تنها می‌توان به توصیف ملیحا در همین گزارش اکتفا نمود که ضمن مخروبه خواندن بنای خانقاه به چهار مناره عظیمی اشاره دارد که در چهارگوشه بنا تا زمان او پابرجای بوده و ما را به یاد هیئت عظیم مدرسه بی‌بی خانم در سمرقند و مدرسه سلطان حسین در هرات می‌اندازد. ملیحا در ادامه گزارش خود به وصف بنای مدرسه پرداخته و آن را یک ساختمان دو ایوانی با بیست و نه حجره توصیف نموده است. مدرسه در چهارگوشه دارای چهار گنبد بوده که دو گنبد آن اختصاص به گورخانه داشته است، او به اشخاصی که در این مکان‌ها دفن شده‌اند اشاره نکرده است (سمرقندی، ۱۳۹۰: ٤٨٩). بااین‌حال، می‌دانیم که محمد سلطان، واقف مجموعه در این مدرسه مدفون نبوده و تا پیش از دفن در مقبره اصلی، پیکرش در ساختمان خانقاه مدفون

بوده است. بعد از مرگ محمد سلطان به دستور تیمور، قسمت جنوبی مجموعه را از ابنیه دیگر خالی کرده و مقبره‌ای شکوهمند احداث می‌کنند که اکنون به گور میر مشهور است و پیکر محمد سلطان را از خانقاه به این مقبره منتقل می‌سازند (Pugachenkova and Rempel, 1965: 269-280). این مقبره همین‌طور مدفن تیمور، شاهرخ، امیرانشاه، عمر شیخ، الغبیگ و سایر شاهزادگان معظم تیموری نیز بوده است. شرف‌الدین علی یزدی در عهد تیمور، ساخت این بنا را چنین گزارش کرده است: «فرمان شد که متصل به مدرسه‌ای که معمار همت شاهزاده مشاراله انشا کرده، گنبدی جهت مرقد منورش بسازند. برحسب فرموده، در پیشگاه ساحت خانقاه، متصل به صفهٔ جنوبی، قبه‌ای فلک مثل برافراختند [...] و سردابه‌ای از برای مدفن مغفرت معدن، بپرداختند و خانه‌ای چند که در حوالی آن بود ویران ساخته، باغچه‌ای بهشت‌آیین ترتیب کردند» (یزدی، ۱۳۸۷: ۱۲۵٤/۲).

از کلیت مجموعه، تنها بنای گور تیمور به‌صورت کامل باقی‌مانده که پیش‌طاق بلند و عظیم آن به‌وسیله یک ایوان عمیق به گورخانه‌ای متصل است با آسمانه‌ای گنبدی که گنبد بلند آن با ترک‌های خیاره‌ای پوشیده شده است. تزیینات این گنبد تماماً به‌وسیله آجرهای لعاب‌دار و کاشی‌های معرق انجام شده و پیش‌طاق عظیم بنا نیز از این تزیینات نفیس برخوردار است (Pugachenkova B, 1976: 164). در مقابل پیش‌طاق بنای گور تیمور، پیش‌طاق ورودی مجموعه به‌صورت قاش قرار داشته است. ملیحای سمرقندی در توصیف تزیینات این پیش‌طاق عظیم گفته است: «در منتهای راه مقابل طاق درآمد پیش‌طاق منقش زرنگاری بسته‌اند [...] و صفه‌های طرفین درآمد او از سنگ مرمر و رخام» (سمرقندی، ۱۳۹۰: ٤۸۹).

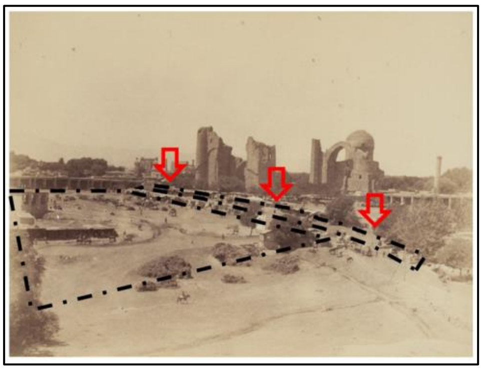
در گزارش کاوش‌هایی که در قرن بیستم میلادی در محل مجموعه انجام شده، صحت اسناد تاریخی در نحوه ترکیب و قرارگیری مجموعه گور میر مورد تأیید قرارگرفته است. در طی کاوش‌ها بقایای خانقاه و مدرسه که به‌صورت قاش در روبروی همدیگر قرار داشتند به دست آمد. همچنین مشخص گردید که خانقاه فاقد حیاط بوده و به‌صورت یک ساختمان با گنبدی مرکزی احداث شده است. در این کاوش‌ها، بقایای دیوارهای داخلی مدرسه محمدسلطان نیز به دست آمد که مطابق با گزارش سمرقندی مشتمل بر ۲۹ حجره، ٤ درسخانه و ۲ ورودیه بوده است. این حفاری‌ها نشان داد که درسخانه‌ها در گوشه‌های مدرسه قرار داشته‌اند و همچنین حفاران مشخص ساختند که الغبیگ علاوه بر به اتمام رساندن ساختمان مقبره، پیش‌طاق ورودی مجموعه را نیز احداث کرده است (Pugachenkova and Rempel, 1965: 269-280).

این مجموعه در کل شامل سه بنا بوده که در جبهه‌های شرقی، غربی و جنوبی واقع بوده‌اند. به غیر بنای مدرسه و خانقاه که به‌صورت قاش در دو سوی شرقی-غربی محوطه واقع بودند، بنای گور تیمور نیز نسبت به پیش‌طاق ورودی مجموعه به حالت قاش ساخته‌شده که درنهایت، محوطه داخلی مجموعه را به شکل یک حیاط چهار ایوانی ترسیم می‌کرده است. ابعاد این محوطه داخلی که ملیحا طول و عرض‌اش را برابر خوانده (سمرقندی، ۱۳۹۰: ٤۸۹)، ۳۲,۵ در ۳۲,۵ متر است (Pugachenkova B 1976: 165). کاربری مجموعه، خدماتی-زیارتی بوده و به دلیل استقرار گورخانه تیمور و گورخانه‌هایی در زیر گنبدهای مدرسه، یک مجموعه تدفینی محسوب می‌شده است (تصویر ۸).



تصویر ۸: بازسازی سه‌بعدی مجموعه گورمیر (Bianca, 1996: 63)

**مجموعه دروازه فولاد سمرقند:** این مجموعه که به‌صورت یک میدان نامنتظم شهری احداث شده، در پس دروازه فولاد سمرقند در قسمت شمالی شهر قرار داشته است. «شالوا استفانوویچ راتیا» که در دهه چهل و پنجاه قرن بیستم میلادی مسئول عملیات مرمت و همچنین کاوش در مسجد بی‌بی‌خانم بوده، این امکان را که بعد از دروازه فولاد و در پی دیوار شهر، میدان بزرگی پیش از شروع بازار قرار داشته را تأیید کرده است (Rathia, 1950: 22). عکس‌های قدیمی که مربوط به‌پیش از بازسازی‌های مدرن در سمرقند هستند نیز، نشان از وجود محوطه عظیمی در این قسمت از شهر دارند (تصویر ۹). شاخص‌ترین بارزه طراحی نمای شهری در این مجموعه، قاش‌سازی دو بنای مسجد بی‌بی‌خانم و مدرسه سرای‌ملک خانم است که به‌صورت قاش در دو سوی غربی و شرقی این محوطه نامنتظم قرار داشته‌اند. پاسکالونا بر اساس یک نظریه که متعلق به راتیا است عنوان داشته که مسجد بی‌بی‌خانم با بنای یک خانقاه با نام تومان آغا که در اوایل عهد تیموری احداث شده ترکیب شده است. او مکان این خانقاه را در جبهه شمالی مسجد تعیین کرده و بر اساس فرم آشنای قاش‌سازی میان دو کاربری خانقاه و مدرسه، چنین ادعا می‌کند که تا پیش از احداث مسجد بی‌بی‌خانم، مدرسه سرای ملک خانم با مدرسه تومان آغا، به‌صورت قرینه در دو سوی راه احداث شده بودند. او سپس هم‌اندازه نبودن دو بنای مدرسه و مسجد بی‌بی خانم و عظمت بی‌اندازه مسجد و سردر آن نسبت به‌اندازه سردر و کالبد مدرسه سرای ملک را مبنایی برای اثبات نظریه خود آورده تا آن را به‌یقین نزدیک‌تر کند (Paskalevna, 2012: 87). به هر صورت قاش‌سازی بعدی که میان مدرسه سرای ملک و مسجد بی‌بی خانم واقع‌شده، اصلاً به قاش‌سازی‌های آشنای عصر تیموری شباهت نداشته و بزرگی بیش از اندازه مسجد نسبت به مدرسه، سبب ایجاد عدم تقارن در نماسازی مجموعه شده است. در اسناد تاریخی نیز این عدم تقارن بدین‌صورت مطرح شده است: «و چون به مسجد جامع که از مستحدثات آن حضرت [تیمور] است گذار آورد، درگاه آن‌که در مدت غیبت آن حضرت برآورده بودند، در نظر همت بلند، کوچک و کوتاه نمود، امر عالی صدور یافت که آن را خراب سازند و گشاده‌تر و بلندتر از آن اساس اندازند و برافرازند» (یزدی، ۱۳۸۷: ۱۲۵۵/۲).



**تصویر ۹: عکس برداشته‌شده در اواخر قرن نوزدهم میلادی از محل حدودی دروازه فولاد به صورتی که محوطه جلوی مسجد بی‌بی خانم و خیابان منتهی به ریگستان در آن مشخص است (Pankratyev, 1890: 52).**

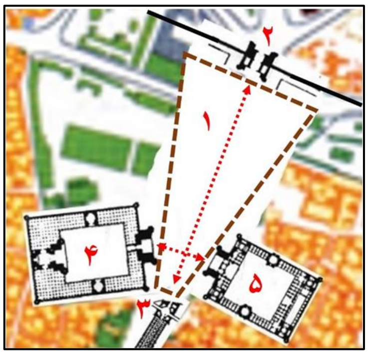
از این گزارش چنین برمی‌آید که معماران تیموری قصد داشته‌اند که سردر مسجد را هم‌رتبه و قرینه با سردر مدرسه که از پیش در مقابل آن قرار داشته بسازند و تزیین کنند، اما این عمل به مذاق تیمور به‌هیچ‌عنوان سازگار نیامده و دستور داده تا سردر را خراب کنند و برخلاف اصل قاش‌سازی آن را بلندتر و عظیم‌تر بسازند. حفاری‌هایی که در ۲۰۰۳م در محل درآیگاه ورودی عظیم مسجد انجام شده، حکایت از آن دارند که درآیگاه مسجد بر روی بقایای ابنیه‌ای دیگری که تا پیش از احداث مسجد در این محل قرار داشته ساخته شده است. تخریب سازه پیشین سبب شده تا صفه‌ای ایجاد شود و درآیگاه عظیم مسجد بر روی آن احداث گردد. این صفه به‌طور تقریبی یک متر بالاتر از سطح پیاده‌رو بوده و البته دارای سطح شیبدار یا پله‌ای بوده که در امتداد طاق ورودی و در راستای محور مسجد قرار داشته است (lebdeva, 2003: 82-92).

این کشفیات مؤید دو فرضیه است: اول اینکه، گزارش تأکید دارد که تنها درآیگاه بر روی بقایای یک سازه احداث شده و سطح آن از پایه دو دیوار کناری و همین‌طور مناره‌های ورودیه بالاتر بوده است. همین امر می‌رساند که مطابق با اسناد تاریخی درآیگاه اولیه تخریب‌شده و از بقایای آن به‌عنوان صفه‌ای در جهت القای عظمت هرچه بیشتر استفاده گردیده است و بدین‌صورت فرضیه تخریب طاق پیشین و احداث درآیگاه جدید، قابل‌تأیید است. دوم اینکه، عظمتی که حفاران این پروژه برای درآیگاه بلندمرتبه مسجد قائل هستند، مؤید وجود یک محوطه وسیع در جلوی درآیگاه مسجد است. بااینکه تیمور اصل قاش‌سازی دو بنا را در مجموعه دروازه فولاد رعایت نکرده، اما به هر صورت مقابل هم ساخته‌شدن دو بنا سبب گردیده که کالبد شرقی و غربی میدان، به‌توسط این دو بنا تزیین و پوشیده شود.

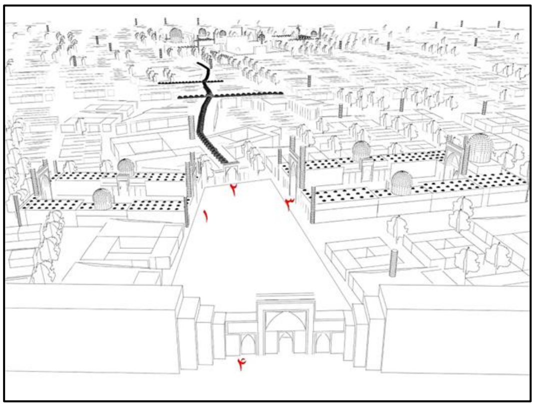
در گزارشی که ملیحای سمرقندی در دوره ازبکان ارائه داشته یک نکته کلیدی در مورد مدرسه سرای‌ملک خانم به چشم می‌خورد. او که به سفاکی‌ها و خراب‌کاری‌های عبدالله‌خان شیبانی در سمرقند پرداخته، تخریب ابنیه این مجموعه به دست او را چنین آورده است: «[...] و دیگر ازجمله کرده‌های عبدالله‌خان در سمرقند مدرسه بی‌بی‌خانم است که در مقابل مسجد جامع صاحبقران امیر تیمور گورکان کرده است، به‌نوعی ویران کرده که جز گنبد گورخانه خانم اثری باقی نمانده است» (سمرقندی، ۱۳۹۰: ۵۲۵). علاوه بر تأکید سمرقندی به قاش بودن ساختمان این دو بنا، می‌توان دریافت که مدرسه جهت گورخانه سرای‌ملک خانم احداث شده و مقبره او در زیر مقصوره گنبد مدرسه قرار داشته است.

به غیر از این قاش‌سازی غیرهمسان در این میدان غیرمنتظم، شاهد قاش‌سازی دو دروازه هستیم که در منتهی‌الیه شمالی و جنوبی میدان واقع بوده‌اند. در سمت جنوب میدان تا پیش از ساخت مسجد، بازار سمرقند قرار داشته است. تیمور برای اینکه شکوه و عظمت مسجد را، تنگی و نزدیکی ابنیه به آن، تحت شعاع قرار ندهند، دستور می‌دهد تا بازار را تخریب کنند و راسته و سردر جدیدی برای آن در قسمت جنوبی‌تر میدان تدارک ببینند. این سردر که در انتهای جنوبی میدان واقع بوده، درست در روبروی دروازه فولاد سمرقند، واقع در شمال محوطه قرار داشته است. با قاش‌سازی این دو دروازه در دو سوی شمالی-جنوبی میدان و قرارگیری دروازه ورودی بازار در سمت جنوبی، این میدان به پیش‌خانی بزرگ برای ورود به بازار عظیم سمرقند تبدیل شده است (هیلن‌براند، ۱۳۸۷: ۶۷).

درمجموع می‌باید این‌گونه عنوان داشت که در میدان دروازه فولاد، قاش‌سازی ابنیه میان دو بنای مسجد بی‌بی خانم و مدرسه سرای ملک‌خانم و دروازه فولاد و دروازه بازار انجام شده است. بااین‌همه به علت مسافت زیادی که میان این دو دروازه قرار داشته، این قاش‌سازی را نمی‌تواند با مواردی همانند قاش‌سازی پیش‌طاق دو بنا مقایسه نمود. مجموعه دروازه فولاد سمرقند، صورت یک میدان ارگانیک را دارد که بدنه‌سازی در آن به‌منظور تعیین حدودی برای پیش‌خان بازار انجام شده و بازگشایی فضایی نامنتظم در میانه آن نیز به آن قصد بوده که نظرگاهی وسیع برای خودنمایی نمای عظیم مسجد بی‌بی‌خانم مهیا گردد (تصاویر ۱۰-۱۱).




**تصویر ۱۰: قاش‌سازی در پلان میدان دروازه فولاد: ۱. میدان. ۲. دروازه فولاد. ۳. دروازه بازار. ۴. مسجد بی‌بی خانم. ۲. مدرسه سرای ملک (مأخذ: نگارندگان)**




**تصویر ۱۱: بازسازی سه‌بعدی میدان دروازه فولاد: ۱. مدرسه سرای ملک. ۲. سردر بازار. ۳. دروازه فولاد. ۴. مسجد بی‌بی خانم (مأخذ: نگارندگان**

**میدان ریگستان سمرقند:** از میان سه بنایی که امروزه در سه جبهه میدان ریگستان واقع هستند، تنها بنای مدرسه الغ-بیگ مربوط به دوره تیموری است و دو مدرسه شیردار و طلای‌کاری در زمان اشترخانیان ازبک و در اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری قمری بر جای ابنیه دیگر احداث شده‌اند (عمرانی و همکاران، ۱۳۹٦: ۱۰۰-۱۰۱). در حالت کنونی، مدرسه شیردار در روبروی مدرسه الغبیگ به‌صورت قرینه احداث شده و احداث مدرسه طلای‌کاری در جبهه سوم میدان نیز، باعث گردیده تا مجموعه به شکل یک میدان مربع شکل که از سه سمت بسته است جلوه‌گر شود.

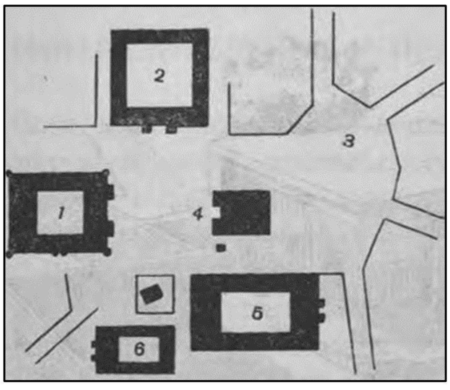
بااینکه فرم این میدان کاملاً متعلق به دوره ازبکی است، اما بر مبنای اسناد تاریخی می‌توان دریافت که مدرسه شیردار بر روی بقایای یک بنای کهن‌تر ساخته‌شده که تا پیش از آن در مقابل مدرسه الغبیگ قرار داشته است. این بنا خانقاهی بوده که الغبیگ به‌صورت قاش در روبروی مدرسه خویش احداث می‌کند. در متون تاریخی چندین‌بار به این مجموعه در ریگستان پرداخته شده و قاش‌سازی این دو بنا در روبروی هم به‌صراحت مورد اشاره واقع گردیده است (حافظ‌ابرو، ۱۳۹۵: ٤/۷۰٦؛ سمرقندی، ۱۳۷۲: ۲/۲۸۹). به‌عنوان‌مثال، فصیح خوافی (قرن نهم و دهم هجری) این‌گونه گفته است که: «بنیاد عمارت که حضرت شاهزاده عالمیان امیرزاده الغ-بیگ گورکان در درون شهر سمرقند بنا فرمود، از مدرسه و خانقاه در محاذی یکدیگر و مستغلات موفور [...] وقف آن مواضع فرمود» (خوافی، ۱۳۸٦: ۳/۱۰۹٦). بابُر، مؤسس دودمان گورکانیان هند نیز در مورد خانقاه عنوان می‌دارد که دارای بزرگ‌ترین گنبد جهان بوده است (Pugachenkova and Rempel, 1965: 269). بر اساس این اظهارات می‌توان حدس زد که این خانقاه احتمالاً مشابه با خانقاه محمد سلطان به‌صورت بنایی فاقد حیاط به همراه گنبدی عظیم با چهار مناره احداث شده است.

به غیر از این دو بنا که به‌صورت یک مجموعه قاش در دو سمت میدان ریگستان احداث شده، گویا در سمت جنوبی محوطه نیز بقایای دو مسجد قرار داشته است. در سمت جنوب غربی و در نزدیکی مدرسه الغبیگ، مسجد کوچکی قرار داشته به نام مسجد عبدالله بن عمر. ابوطاهر سمرقندی این مسجد را مسجد کبود نامیده و این‌گونه آن را جانمایی کرده است: «مسجد حضرت عبدالله بن عمر: و آن مسجد را مسجد کبود نیز می‌گفته‌اند. به درون شهر در میانه عمارات قریب به مدرسه شیردار و مدرسه طلاکاری و مدرسه میرزا الوغبیک افتاده است» (سمرقندی، ۱۳٦۷: ۱٥٤). از گزارش سمرقندی مشخص است که این مسجد در جبهه مخالف مدرسه طلای‌کاری و در سمت جنوبی میدان قرار داشته و تا زمان استحداثات عصر اشترخانی، بر جای خود استوار بوده است. پوگاچنکوا و رمپل بر مبنای گزارش بابر، مسجد را دارای تزییناتی از چوب با نقوش اسلیمی عنوان کرده‌اند (Pugachenkova and Rempel, 1965: 268). بااین‌حال، به دلیل عدم انجام کاوش‌های باستان‌شناسی مکان قرارگیری این مسجد و نوع پلان آن در هاله‌ای از ابهام است. در همین جبهه جنوبی مسجد و در شرق مسجد عمر و جنوب خانقاه الغبیگ، مسجد عظیمی قرار داشته که پوگاچنکوا و رمپل آن را دومین مسجد شهر بعد از مسجد بی‌بی خانم عنوان می‌کنند. این دو، تنها بر اساس اسناد

تاریخی ادعا می‌کنند که این مسجد همان مسجدی است که علیکه کوکلتاش بر روی بقایای مسجد جامع سمرقند که در دوره مغول تخریب گردیده احداث کرده است. آن را همچنین مسجدی حیاط‌دار معرفی کرده‌اند که دارای گنبدخانه و شبستانی با ۲۸۰ ستون بوده است (Ibid). بارتولد نیز این مسجد را همان مسجدی می‌داند که علیکه کوکلتاش در زمان شاهرخ احداث کرده و در قرن هجدهم میلادی متروک و سپس تخریب شده است (بارتولد، ۱۳۳۶: ۲۰۶). بااین‌حال، هنوز کاوش‌های باستان‌شناسی صحت این فرضیات را تأیید نکرده‌اند اگر ادعای وجود این دو مسجد را در جبهه جنوبی میدان قرین به صحت فرض کنیم، می‌توان تصور کرد که مسجد کوکلتاش همراه با مدرسه و خانقاه الغ‌بیگ در یک‌زمان احداث شده و جبهه‌های غربی، شرقی و جنوبی میدان را به همراه مسجد عُمَر پوشش می‌داده‌اند.

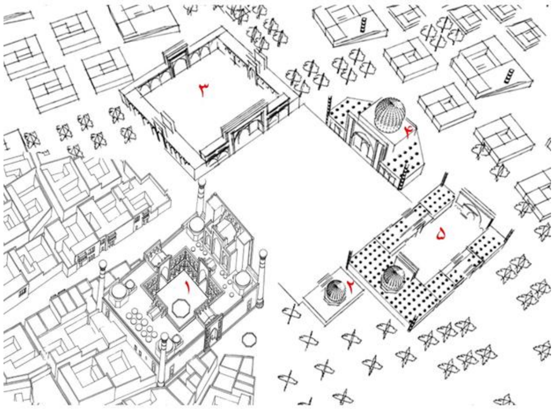
هیلن‌براند علاوه بر تأیید فرضیه حضور مسجد کوکلتاش در جنوب میدان، اعتقاد دارد که مدرسه طلای‌کاری نیز بر روی بقایای بنایی متعلق به دوره تیموری احداث شده است. او این بنا را کاروان‌سرای میرزایی عنوان داشته است (هیلن-براند، ۱۳۸۷: ۷۳). پژوهشگران دیگر نیز همچون پوگاچنکوا و رمپل، پیرو این فرضیه هستند (Pugachenkova and Rempel, 1965; 268-269). کاوش‌های باستان‌شناسی که در ۲۰۰۲م در حین عملیات مرمتی مدرسه طلای‌کاری در زیر دیوارها و پی‌های آن صورت گرفت، مؤید وجود بنایی دیگر در زیر این مدرسه بود. این کاوش‌ها بااینکه در محوطه‌ای بسیار محدود انجام شد، حجم بسیار زیادی از سفالینه‌های متعلق به عصر پس از حمله مغول و تیموری را به دست داد (Mokhitdinov, 2003: 136). بااینکه گزارش این کاوش به‌صراحت قدمت بنا و نوع فعالیت آن را معین نکرده است، اما می‌توان حدس زد که این بقایا به‌احتمال می‌تواند متعلق به بنای کاروانسرای میرزایی باشد و حجم سفالینه‌ها نیز می‌تواند نشان‌دهنده فعالیت‌های تجاری و کارگاهی در این محل که زمانی قلب بازار سمرقند محسوب می‌شده، تلقی گردد.

با در نظر گرفتن حضور این کاروانسرا در جبهه شمالی میدان، می‌بایست عنوان داشت که دورتادور عرصه این میدان به‌صورت کامل توسط پنج بنا در میانه دوره تیموری احاطه گردیده است. هیلن‌براند بر همین اساس طرح کلی این میدان را ملهم از الگوی حیاط‌های چهار ایوانی ایرانی مفروض داشته (Hillenbrand, 1983: 23)، به صورتی که دو بنای خانقاه و مدرسه الغ‌بیگ در روبروی هم در دو سوی شرقی و غربی و سه بنای مسجد کوکلتاش، مسجد عمر و کاروانسرای میرزایی نیز در روبروی هم در دو سوی شمالی و جنوبی واقع بوده‌اند. طرح فرضی نیز که پوگاچنکووا ترسیم نموده، مؤید این فرم از استقرار در چهارگوشه میدان است (Pugachenkova B, 1976: 96). ازآنجایی‌که از ابنیه این مجموعه تنها بنای مدرسه الغ‌بیگ باقی‌مانده است، نمی-توان به‌صراحت به اصول قاش‌سازی میان بناها پی‌برد، بااین‌وجود، اگر وجود این نظام استقراری با چهار نمای بسته و طراحی‌شده را در دورتادور میدان ریگستان سمرقند قبول کنیم، می‌بایست بپذیریم که این میدان، اولین نمونه یک میدان کامل در تاریخ شهرسازی ایران بوده است (تصویر ۱۲).




تصویر ۱۲: قاش سازی در پلان میدان ریگستان بر اساس تصویر فرضی ارائه شده توسط پوگاچنکوا: ۱. مدرسه الغ‌بیگ. ۲. کاروانسرای میرزایی. ۳. ورودی بازار. ۴. خانقاه الغ‌بیگ. ۵. مسجد کوکلتاش. ۶. مسجد عمری (Pugachenkova and Rempel, 1965: 258)

از روی نمای بیرونی و پیش‌طاق عظیم مدرسه الغبیگ که مزین به کاشی‌های معرق و آجرهای لعاب‌دار است، می‌توان حدس زد که سایر ابنیه در مجموعه نیز از تزییناتی به‌مانند نمای این مدرسه برخوردار بوده‌اند. در همین راستا ظهیرالدین بابر، تزیینات نمای خانقاه الغبیک را که در روبروی مدرسه واقع بوده، بسیار پرشکوه توصیف کرده و گنبد عظیم آن را همراه با تزییناتی از کاشی گزارش داده است (بارتولد، ۱۳۳٦: ۲۰۲). میخائیل ماسون در ضمن کاوش‌هایی که در محوطه مدرسه الغبیگ در حین عملیات مرمت و رفع انحراف یکی از مناره‌های این مسجد انجام داده است، عنوان می‌دارد که در جلوی محوطه بیرونی مدرسه، نمونه‌ای از کاشی‌هایی به دست آمد که کاملاً متفاوت با کاشی‌های به‌کاررفته در دیوارهای مدرسه بوده و شباهت بسیار زیادی با نوع کاشی‌هایی داشته که در عمارت چینی‌خانه الغبیگ به‌کاررفته است. او به‌صراحت این کاشی‌ها را به عصر الغبیگ منتسب می‌دارد، اما محل نسب آن‌ها در این محوطه، برای او در هاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند (Masson, 1968: 28). می‌توان حدس زد که این کاشی‌ها احتمالاً متعلق به بنای دیگری بوده که در عصر الغبیگ در این محوطه احداث شده که جز بنای خانقاه الغبیگ، بنای دیگری نمی‌تواند باشد. در تزیینات این بنا نیز به‌احتمال از همان جنس کاشی‌هایی استفاده‌شده که در تزیینات ازاره چینی‌خانه به‌کاررفته است و از این جهت بابر تزیینات آن را در مقابل با مدرسه، بسیار پرشکوه توصیف کرده است. فارغ از مبحث تزیینات می‌باید اضافه نمود که کاربری‌های موجود در این میدان همگی کاربری‌های خدماتی-مذهبی بوده و مقبره یا گوری در درون هیچ‌یک از ابنیه این مجموعه قرار نداشته است (تصویر ۱۳).




**تصویر ۱۳: بازسازی سه‌بعدی میدان ریگستان: ۱. مدرسه الغبیگ. ۲. مسجد عمر. ۳. کاروانسرای میرزایی. ۴. خانقاه الغبیگ. ۵. مسجد کوکلتاش (مأخذ: نگارندگان)**

**مجموعه-میدان شاهرخی در هرات:** از این مجموعه که در داخل شهر کهن هرات قرار داشته، امروزه هیچ اثری برجای نمانده است. تنها به کمک اسناد تاریخی و تصاویر ماهواره-ای تا حدودی می‌توان از وضعیت و نوع قرارگیری ابنیه در این مجموعه کسب اطلاع نمود. مجموعه شاهرخی شامل دو بنای مدرسه و خانقاه بوده و به‌مانند سایر مجموعه‌های مشابه در این عصر، به فرم قاش و در دو طرف یک میدانچه ساخته شده بود. حافظ ابرو در توصیف کوتاهی که از این مجموعه داشته، استقرار ابنیه آن را بدین‌صورت تشریح نموده است: «بر طرف شمال شهر تحت قلعه مدرسه و خانقاه بنا فرمود در برابر یکدیگر مسافت مابین صحن سرای بزرگ و صفهٔ عالی دومنار برابر دو طرف در درآمد، چنانکه مهندسان و مقدران بنی‌آدم اجماع و اتفاق دارند بر آنکه کشیده‌تر و تمام-تر بمد و باریک‌تر بعمل و محکم‌تر بتفصیل و اجمال بر روی زمین از آن بنای نکرده‌اند» (حافظ‌ابرو، ۱۳٤۹: ۱۰).

از این توصیف چنین برمی‌آید که بنای خانقاه و مدرسه، مانند مجموعه الغبیگ و محمدسلطان، در برابر یکدیگر ساخته شده است. حافظ‌ابرو، همچنین به صحن‌سرای بزرگ و سردر عالی و دو منار برابر، در دو طرف نیز اشاره‌کرده که می‌تواند گویای محوطه وسیعی باشد که در میان دو بنا قرار داشته و قاش‌سازی دو پیش‌طاق معظم بنا را در مقابل هم نیز می-رساند. بااین‌حال با اتکا به گزارش دیگری که توسط عبدالرزاق سمرقندی به نگارش درآمده، این وضعیت روشن‌تر خواهد شد، او این مجموعه را چنین توصیف کرده است: «وضع

مدرسه و خانقاه معارف‌پناه [شاهرخ] بر طرف شمال تحت القلعه در جانب جنوب، مدرسه عالی و خانقاهی متعالی پیوسته هم و در میان آن بقعه صحن سرای بزرگ و صفه و طاقی رفیع و بر دو طرف منار بلندقامت بدیع استقامت ارتفاع یافت» (سمرقندی، ١٣٧٢: ١٣٢/٢). سمرقندی صحن را به‌صراحت در میان دو بنا عنوان داشته و صفه و طاق که همان پیش‌طاق‌های عظیم دو بنا بوده را به همراه دومنار طرفینی، در دو طرف میدان تصویر نموده است. از مجموع دو گزارش می‌توان به قاش‌سازی باشکوهی که میان این دو بنا صورت گرفته است پی‌برد، اما به دلیل نبودن شواهد باستان‌شناسی و معماری، نمی‌توان از تزیینات احتمالی دو بنا مدرکی ارائه کرد.

بنا بر این گزارش‌های تاریخی، جایگاه استقرار مجموعه را می-توان در قسمت شمالی شهر و در نزدیکی قلعه اختیارالدین فرض نمود. برنارد اوکین این میدان را مستقر در میانه مسیری دانسته که از میان شهر به سمت دروازه‌ای عمومی منتهی می‌شده است (اوکین، ١٣٨٦: ٢١٧). او اسم این دروازه را ذکر نکرده اما بر اساس فرضیه تری آلن، این دروازه را می‌توان دروازه قبچاق دانست که در سمت شمال شرقی شهر قرار داشته است. آلن جایگاه مجموعه شاهرخی را در کناره شرقی دیوار قلعه، یعنی در مسیر راهی که به دروازه قبچاق منتهی می‌شده مفروض داشته است (Allen, 1983: 94). به کمک تصاویر ماهواره‌ای می‌توان قطعه زمین بزرگی را در همان نقطه فرضی آلن مشاهده کرد. این قطعه زمین که از سمت شمال به جنوب کشیده شده، می‌تواند همان جایگاه استقرار مجموعه شاهرخی باشد و نشانه دهنده استقرار دو بنا در دو سوی شمالی-جنوبی است. از این مجموعه به‌مانند مجموعه الغ‌بیگ در سمرقند برای تدفین واقف (شاهرخ) و یا نزدیکان او استفاده‌نشده و مجموعه صرفاً کاربری آموزشی-مذهبی داشته است (تصویر ٥).

**مجموعه-میدان امیرچخماق در یزد:** ساخت‌وسازهای دوره تیموری در این مجموعه بر دو سمت شمالی و جنوبی میدان انجام گرفته و شامل استقرار مسجد در سمت جنوب میدان (افشار، ١٣٧٤: ١٦١/٢) و قرارگیری مقبره ستی فاطمه (همسر امیر چخماق)، خانقاه (همان: ٣٢١/٢)، آب‌انبار و سقاخانه در ضلع شمالی و در مقابل مسجد است (همان: ١٦٩/٢-١٧٠). گلمبک و ویلبر معتقدند که مسجد تنها بنای مجموعه است که تاکنون به وضع اولیه خود باقی‌مانده است. سردر مسجد برخلاف پیش‌طاق‌های شکوهمند عصر تیموری در خراسان و ماوراءالنهر، بسیار فروتنانه در محیط اطرافش قرارگرفته و میل به خودنمایی به‌هیچ‌عنوان در عناصر این بنا و سایر ابنیه این میدان دیده نمی‌شود (گلمبک و ویلبر، ١٣٧٤: ٦٠٥-٦٠٦). بااین‌وجود، گلمبک و ویلبر احتمال می‌دهند که نمای بیرونی مسجد از چهار طرف باز و به دلیل قرارگیری در کنار شوارع دیگر دارای تزیینات بوده است (همان: ١٤٤-١٤٧). این مجموعه به دلیل واقع‌شدن مقبره ستی‌فاطمه، همسر امیرچخماق و واقف مجموعه در آن، یک مجموعه تدفینی نیز محسوب می‌شود. این احتمال نیز وجود دارد که مقبره ستی‌فاطمه جزئی از بنای خانقاه مجموعه بوده باشد (تصویر ٧).

جدول ۱: جمع‌بندی و مقایسه ویژگی‌های مجموعه‌های میدانی در عهد تیموری (مأخذ: نگارندگان)

| ویژگی ها / نام مجموعه | کاربری تدفینی | قرارگیری گور در بنای مدرسه | قاش سازی میان بنای مدرسه و خانقاه | دارا بودن فرم چهارایوانی | نوع استقرار ابنیه در وجوه کالبدی |
|---|---|---|---|---|---|
| گورمیر | دارد | دارد | دارد | دارد | چهارطرف |
| دروازه فولاد | دارد | دارد | دارد | دارد | چهارطرف |
| ریگستان | ندارد | ندارد | دارد | ندارد | چهارطرف |
| شاهرخی | ندارد | ندارد | دارد | ندارد | دو طرف |
| امیرچخماق | دارد | ندارد | ندارد | ندارد | دو طرف |

**جمع‌بندی:** اگر بخواهیم ویژگی‌های نوع استقرار و نظام طراحی کالبد پیرامونی در مجموعه‌های متشکل بر گرد یک میدان را بررسی کنیم، به موارد فوق می‌بایست اشاره کرد:

۱. ویژگی تدفینی مجموعه‌ها: از میان پنج مجموعه بررسی‌شده، سه مجموعه دارای گور واقف بوده‌اند و دو مجموعه ریگستان سمرقند و شاهرخی هرات، هیچ ویژگی تدفینی نداشته‌اند.

۲. واقع‌شدن گور در بنای مدرسه: از میان پنج مجموعه بررسی‌شده، چهار مجموعه دارای مدرسه بوده و در بنای دو مدرسه گورخانه قرار داشته است.

۳. قاش‌سازی میان بنای مدرسه و خانقاه: بیشترین نمونه قاش‌سازی در پنج مجموعه موردبررسی، میان خانقاه و مدرسه صورت پذیرفته است. این در حالی است که اگر شکل اولیه مجموعه دروازه فولاد را نیز به آن‌ها اضافه کنیم، می‌توان گفت که در هر چهار دسته از موارد، قاش‌سازی میان بنای مدرسه و خانقاه صورت گرفته است. بدین ترتیب، این فرم از قاش‌سازی را می‌توان یک‌گونه کلاسیک در عهد تیموری به‌حساب آورد.

٤. رعایت فرم چهار ایوانی در کالبد مجموعه‌های میدانی: از میان پنج مجموعه بررسی‌شده، تنها دو مجموعه گور میر و دروازه فولاد دارای فرم چهار ایوانی بوده‌اند، چهار ایوانی بودن مجموعه ریگستان سمرقند به‌طور کامل قابل‌تأیید نیست.

٥. عدم محصوریت در کالبد پیرامونی: برخلاف اتفاقی که در کالبد پیرامونی ابنیه چهار ایوانی توسط طاق‌نماها صورت می‌گیرد و همین‌طور برخلاف اجرای طاق‌نما در میان فاصله ایوان‌ها در محوطه‌های دوره ایلخانی، مانند سغورلوق (تخت‌سلیمان) (هیلن براند، ۱۳۹۳: ٤۲۳)، شنب‌غازان (سرفراز و کیانی، ۱۳٤۷: ۱۳۲) و حیاط ابواب‌البر سلطانیه (میرفتاح، ۱۳۷۰: ۱۹۸)، در محوطه‌های میدانی عصر تیموری، هیچ مدرک فیزیکی که دال بر اجرای طاق‌نما در حدفاصل ابنیه یا درآیگاه‌ها بوده باشد به دست نیامده است. از این‌رو می‌باید ابراز داشت که کالبدهای پیرامونی در مجموعه‌های میدانی عصر تیموری فاقد امتداد بوده‌اند، یعنی در نقاطی که دو بنا در گوشه‌ها در کنار هم واقع می‌شدند، هیچ نوع پیوستگی ساختاری به چشم نمی‌خورده است. این امر حتی در مورد مجموعه‌هایی که به‌صورت چهار ایوانی ساخته شده‌اند نیز صادق است. به دلیل این عدم تداوم در پیوستگی ساختار کالبدی، فرم محوطه میدان در این مجموعه‌ها تنها بر روی زمین قابل‌تشخیص بوده است و نه از روی امتداد کالبد پیرامونی آن (جدول ۱).

### نتیجه‌گیری

میدان‌های شهری و مجموعه‌های که مشابه با فرم میدان در اطراف یک محوطه مرکزی احداث شده‌اند را می‌توان از ساختارهای اصلی مجموعه‌سازی در دوره تیموری برشمرد، به صورتی که چندین نمونه برجسته از مجموعه‌های این عصر بر مبنای همین ساختار طراحی و احداث شده‌اند. تفاوت اصلی میان میدان‌های شهری و مجموعه‌های معماری که بر گرد یک میدان شکل گرفته‌اند را ارتباط یا عدم ارتباط مستقیم با راه‌های اصلی شهر تعریف می‌کرده است. در میدان‌های شهری عصر تیموری، ساختار اصلی میدان بر اساس عقب‌نشینی دو بنا از کنار راه شکل می‌گرفته به صورتی که تشکیل یک واشدگاه را در میان مسیر می‌داده است. این ساختار را می‌توان به‌عنوان فرم قالب در طراحی میدان‌های شهری در این دوره تلقی کرد. به این ساختار در مواردی دو دروازه در انتها و ابتدا اضافه می‌شده است. در مواردی که چهار سمت میدان به‌وسیله ابنیه اشغال می‌شده، راه‌های ورود به میدان از گوشه‌های باقی‌مانده میان بناها تأمین می‌گردیده است و این علت را می‌توان یکی از دلایل محصور نبودن میدان‌های این دوره عنوان داشت. مجموعه‌های معماری که بر گرد یک محوطه میدانی شکل می‌گرفته‌اند، برخلاف میدان‌های شهری این عهد، فاقد ارتباط پیوسته و تعریف‌شده با مسیرهای شهری بوده‌اند. این مجموعه‌ها یا در کنار یک مسیر عبوری قرار داشته‌اند و یا در انتهای یک راه واقع بوده‌اند. در بیشتر موارد، مجموعه‌های فوق برخلاف بعضی از میدان‌های شهری این دوره دارای چهار بنا در چهار سمت بوده‌اند. بااین‌حال، در مورد این مجموعه‌ها نیز اصل عدم محصوریت کامل برقرار بوده است. باوجود این تفاوت‌ها، میدان‌های شهری و مجموعه‌های میدانی در دوره تیموری از نظر قرارگیری مقابر واقفان در آن‌ها و همچنین دارا بودن کاربری مذهبی-خدماتی، با یکدیگر دارای مشابهت بوده‌اند. درنهایت می‌توان گفت که با بررسی ساختارهای این مجموعه‌ها و تطبیق آن‌ها با میدان‌های شهری که در دوره‌های آتی، به‌ویژه دوره صفوی احداث شده، می‌توان به ریشه‌های مشترک و همچنین تأثیراتی که این‌گونه از مجموعه‌سازی دوره تیموری بر دوره صفوی داشته‌اند، آگاهی یافت. این موضوعی است که می‌تواند در پژوهش‌های آتی موردتوجه قرار گیرد.

### فهرست منابع


۱. استرلین، هنری. (۱۳۹۳). ***هنر و معماری اسلامی***. ترجمه غلامحسین علی مازندرانی. تهران: یزدا.

۲. افشار، ایرج. (۱۳۷٤). ***یادگارهای یزد***. ج۲. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۳. آقابزرگ، نرگس آقابزرگ، و حشمت‌الله متدین. (۱۳۹٤). «خاستگاه نظری میدان نقش‌جهان». ***باغ نظر***. (شماره ۳۳)، ۲۳-٤۰.

٤. اوکین، برنارد. (۱۳۸٦). ***معماری تیموری در خراسان***. ترجمه علی آخشینی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

٥. اهری، زهرا؛ و محسن حبیبی. (۱۳۸٦). ***مکتب اصفهان در شهرسازی (زبان‌شناسی عناصر و فضاهای شهری، واژگان و قواعد دستوری)***. تهران: دانشگاه هنر تهران.

٦. اهری، زهرا. (۱۳۸۷). «ژرف‌ساخت‌های طراحی شهری: مبانی شهرسازی مکتب اصفهان». ***گردهمایی مکتب اصفهان: مجموعه مقالات معماری و شهرسازی***. به‌اهتمام باقر آیت‌الله زاده شیرازی. تهران: فرهنگستان هنر.

۷. بارتولد، ولادیمر. (۱۳۳٦). ***الغبیگ و زمان وی***. ترجمه حسین احمدی‌پور. تهران: کتابفروشی چهر.

۸. پوپ، آرتور آپم. (۱۳۸۷). «معماری دوره اسلامی سده هشتم ه.ق.». ***سیری در هنر ایران***. ج۳. به‌اهتمام آرتور آپم پوپ و فیلیس اکرمن. تهران: علمی و فرهنگی.

۹. جعفرپورناصر، ساناز. (۱۳۹۲). «نظام توسعه ساختاری شهر تبریز در دوره ترکمانان تأثیر آن بر سازمان ارتباطی مابین مرکزشهر کهن با مرکز حکومتی جدید». ***دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی***. تبریز: دانشگاه هنر اسلامی.

۱۰. جعفرپورناصر، ساناز. (۱۳۹٦). «سازمان فضایی شهر تبریز در دوره ترکمانان و تأثیر آن بر نظام ارتباطی میان مرکز شهر قدیم با مرکز حکومتی جدید در پایتخت‌های صفویان». ***فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی***. (شماره ٤)، ۸۰-٦٥.

۱۱. جیحانی، حمیدرضا، و مریم رضایی‌پور. (۱۳۹٦). ***منظر باغ***. تهران: دانشگاه کاشان و پژوهشکده فرهنگ.

۱۲. حافظابرو، شهاب‌الدین عبدالله. (۱۳۴۹). ***جغرافیای حافظ ابرو قسمت ربع خراسان هرات***. تصحیح نجیب مایل هروی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

۱۳. حافظابرو، شهاب‌الدین عبدالله. (۱۳۹۵). ***زبده التواریخ***. تصحیح سید کمال حاج سیدجوادی. تهران: اساطیر.

۱۴. حجت، عیسی، و همکاران. (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی ساختار کالبدی و کارکردی میدان صاحب آباد تبریز و میدان نقش‌جهان اصفهان در ادوار تاریخی». ***پژوهش‌های معماری اسلامی***. (شماره ۲۲)، ۴۴-۳۳.

۱۵. حجت، عیسی، و همکاران. (۱۴۰۰). «بازآفرینی ساختار مجموعهٔ صاحب‌آباد تبریز بر پایهٔ مستندات تاریخی». ***مطالعات معماری ایران***. (شماره ۱۷) ۳۲-۵.

۱۶. حناچی، پیروز، و احد ابراهیمی سردرود. (۱۳۸۵). «بازخوانی میدان صاحب‌اباد از روی تصاویر شاردن و مطراقچی بر اساس متون تاریخی (از شکل‌گیری تا دوره صفوی)». ***هنرهای زیبا معماری و شهرسازی***. (شماره ۲۵)، ۴۴-۳۵.

۱۷. خادم‌زاده، محمدحسن. (۱۳۸۸). ***محلات تاریخی شهر یزد***. تهران: سبحان نور.

۱۸. خوافی، فصیح احمد. (۱۳۸۶). ***مجمل فصیحی***. مصحح محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.

۱۹. خواندمیر، غیاث‌الدین. (۱۳۷۲). ***مآثرالملوک: بضمیمه خاتمه خلاصه الاخبار و قانون همایونی***. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: موسسه فرهنگی رسا.

۲۰. دیزانی، احسان. (۱۳۹۲). «بازآفرینی شهر شاهی صفوی قزوین از متون و اسناد تاریخی». ***هویت شهر***. (شماره ۴)، ۷۰-۶۱.

۲۱. دیزانی، احسان. (۱۳۹۳). «تبیین سیر تکامل الگوی میدان شاه در پایتخت‌های صفوی ایران». ***هویت شهر***. (شماره ۱۷)، ۸۶-۷۷.

۲۲. سرفراز، علی‌اکبر، و محمد یوسف کیانی. (۱۳۴۷). ***تخت سلیمان***. تهران: موسسه تاریخ و فرهنگ ایران.

۲۳. سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۲). ***فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران***. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۲۴. سمرقندی، ابوطاهر. (۱۳۶۷). ***قندیه و سمریه، دو رساله در تاریخ مزارات و جغرافیای سمرقند***. تصحیح ایرج افشار. تهران: موسسه فرهنگی جهانگیری.

۲۵. سمرقندی، کمال‌الدین. (۱۳۷۲). ***مجمع البحرین و مطلع السعدین***. ج۲. مصحح عبدالحسین نوایی. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۲۶. سمرقندی، محمد بدیع شریف ملیحا. (۱۳۹۰). ***مذکّر الاصحاب***. مصحح محمد تقوی. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد رسمی مجلس شورای اسلامی.

۲۷. عمرانی، بهروز، و محمد امینیان. (۱۳۸۶). «گمانه‌زنی در میدان صاحب‌اباد و مجموعه حسن‌پادشاه». ***دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان***. (شماره ۵۰)، ۱۱۸-۹۱.

۲۸. عمرانی، بهروز، و محمد امینیان. (۱۳۸۸). «بازسازی فرضی بر اساس شواهد معماری: مجموعه حسن پادشاه؛ نمونه موردی: عمارت نصریه». ***میراث ملی (ویژه مجموعه گزارش‌های دومین همایش نقد مرمت)***. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

۲۹. عمرانی، بهروز؛ و همکاران. (۱۳۹۶). ***سیمای معماری و شهرسازی سمرقند در متون تاریخی***. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

۳۰. کلاویخو، روی گنزالو. (۱۳۶۶). ***سفرنامه کلاویخو***. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۳۱. گرکانی‌دشته، شاهین، محمد و مرتضایی. (۱۴۰۰). «گونگ و سرای، بررسی مجموعه‌های سلطنتی امپراطوران مغول و ایلخانان در قرون هفتم و هشتم ه.ق». ***اثر***. (شماره ۴)، ۴۶۹-۴۵۰.

۳۲. گلمبک، لیزا، و دونالد ویلبر. (۱۳۷۴). ***معماری تیموری در ایران و توران***. ترجمه کرامت‌الله افسر و یوسف کیانی. تهران: سازمان میراث فرهنگی.

۳۳. گلمبک، لیزا، و همکاران. (۱۳۸۴). ***تیموریان***. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.

۳۴. مفاخر، فرشاد، و زهرا مافی. (۱۳۹۴). «مقایسه سه میدان حکومتی شهر (مقایسه میدان صاحب‌آباد تبریز، سبزه‌میدان قزوین و نقش‌جهان اصفهان)». ***همایش ملی***

**فرهنگ، کالبد و محیط در معماری و شهر اسلامی**. قزوین: دانشگاه آزاد اسلامی.

۳۵. میرفتاح، علی‌اصغر میرفتاح. (۱۳۷۰). «سلطانیه». **شهرهای ایران**. ج٤. به‌اهتمام محمد یوسف کیانی. تهران: جهاد دانشگاهی.

۳۶. نصراللهی، احمد، و لیلا قسوریان جهرمی. (۱۳۹٤). «تحول هسته شهر از ابواب‌البر ایلخانی تا نقش‌جهان». **اولین کنفرانس تخصصی معماری و شهرسازی ایران**. شیراز: موسسه عالی علوم و فناوری حکیم عرفی.

۳۷. نژاد ابراهیمی، احد. (۱۳۸۷). «از صاحب‌آباد تا نقش‌جهان. گردهمایی مکتب اصفهان». **مجموعه مقالات معماری و شهرسازی**. به اهتمام باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: فرهنگستان هنر.

۳۸. نعیما، غلامرضا. (۱۳۹۵). **سیر تحولات معماری ایران**. ج۲. تهران: سروش دانش.

۳۹. واعظ، اصیل‌الدین عبدالله. (۱۳۸٦). **مقصد الاقبال سلطانیه و مرصد الامال الخاقانیه**. تصحیح نجیب مایل هروی. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

٤۰. هیلن‌براند، رابرت. (۱۳۸۷). «جنبه‌های معماری تیموری در آسیای میانه». ترجمه داود طبایی. **گلستان هنر**. (شماره ١٤)، ۸۲-٦۵.

٤۱. هیلن‌براند، رابرت. (۱۳۹۳). **معماری اسلامی**. ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: روزنه.

٤۲. یزدی، شرف‌الدین علی. (۱۳۸۷). **ظفرنامه**. ج۲. تصحیح سعید میرمحمد صادق و عبدالحسین نوایی. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس.

43. Allen, Terry. (1983). ***Timurid Herat***. Tubinger: Tubinger Atlas

44. Bianca, Stefano. (1996). ***Historic Cities Support Programme***. Rome: The Aga Khan trust for culture.

45. Gangler, Anette; and et al. (2004). ***Bukhara the eastern dome of Islam***. London: Axel menges.

46. Hillenbrand, Robert. (1983). “Some Observations on the Use of Space in Medieval Islamic Buildings”. ***Islamic A rchitecture and Urbanism***. Aydin Germen (ed.), Damman: King Faisal University.

47. Hillenbrand, Robert. (2004). “The Timurid Achievment in Architecture”. ***A survey of Persian Art from prehistoric times to the present***. Abbas Daneshvari (ed.). Santa Ana: Mazda publisher.

48. Lebedeva, T.I. (2003). “Archaeological Research on Bibi Hanim Mosques”. ***Archaeological Researches in Uzbekistan***. (vol 4), 82-92.

49. Maneov, Said Bahronovich. (2015). “Formation of Architectural Ensembles and Complexes of Historic Towns of Uzbekistan”. ***International Journal of Scientific & Technology Research***. (vol 4), 109-112.

50. Masson, M. E. (1968). ***Falling minaret, northeastern minaret of Samarkand Ulugbek Madrasah***. Tashkent: Izda Television Uzbekistan.

51. Mukhitdinov H.Y. (2003). “Archaeological Observations for Conservation Works at The Tillai Kori Medrese”. ***Archaeological Researches in Uzbekistan***. (vol 4), 131-138.

52. Pankratyev, G. A. (1890). ***Album of historical monuments of the city of Samarkand by the amateur photographer***. Samrkand.

53. Paskalevna, Elena. (2012). “The Bibi khanum mosque in Samarqand: its mongol and Timurid Architecture”. ***Silkroad***. (vol 10), 81-98.

54. Pugachenkova, Galina Anatolivna. (1951). “Garden and Park Art of Central Asia in the Age of Timur and Timurids”. ***Humanities***. (vol 23), 143-168.

55. Pugachenkova, Galina Anatolivna; and Lazar Izrailevich Rempel (1965). ***History of Arts of Uzbekistan***. Tashkent: Iskusstvo.

56. Pugachenkova, Galina Anatolivna. (1965). “Architectural Monuments of Maverannahra Era of Ulugbek”. ***The History of the Era of Ulugbek***. G.I. Hayrapetyants and D. Kayumova (eds.). Tashkent: Institute of Oriental Studies Biruni.

57. Pugachenkova, Galina Anatolivna. (1976 A). ***Termez, Shakhrisabz, Khiva***. Moscow: Publishing house Art.

58. Pugachenkova, Galina Anatolivna. (1976 B). ***Architecture of Central Asia in the XV***. Tashkent: Publishing House of Literature and Art.

59. Rathia, SH.E. (1950). ***Mosque of Bibi Hanim in Samarkand Research Experience of Restoration***. Moscow: State Publishing House of Architecture and Urban Planning.